

- یک‌شنبه ۱ تیرماه ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۴۸**

سپهرغرب، گروه اجتماعی – سمیرا گمار؛ یک جامعه‌شناس برجسته گفت: در شرایطی که بیکاری جوانان به یکی از بحران‌های اصلی کشور تبدیل شده، نظام آموزشی ایران نتوانسته به‌درستی جوانان را برای ورود به بازار کار و زندگی روزمره آماده کند. تأکید بیش از حد بر آموزش‌های نظری و نادیده گرفتن مهارت‌های عملی، موجب شده تا فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان نتوانند خود را برای مواجهه با چالش‌های واقعی جامعه و اشتغال مهیا کنند.

بیکاری جوانان یکی از چالش‌های پیچیده و گسترده است که در دنیای معاصر، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، به دغدغه‌ای همیشگی تبدیل شده است. این مسئله نه‌تنها بر جنبه‌های نگران‌کننده روزنی صعودی داشته است. علل بحران‌های اجتماعی و فرهنگی نیز دامن می‌زند. در ایران، این پدیده به‌طور ویژه در دوران پس از انقلاب و به‌ویژه در دهه‌های اخیر به شکلی عمیق بین‌گسترده شده است. علل اصلی بحران مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی را تشدید کرده، می‌توان به مشکلات ساختاری در نظام اقتصادی، تحریم‌ها، نبود فرصت‌های شغلی متناسب با مهارت‌های فارغ‌التحصیلان و شکاف عمیق بین آموزش‌های دانشگاهی (آکادمیک) و نیازهای بازار کار اشاره کرد.

در این میان، برخی از کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند که نظام آموزشی کشور به‌ویژه در سطح مدارس و دانشگاه‌ها نتوانسته پاسخگوی نیازهای واقعی جوانان در دنیای امروز باشد. بر اساس نظرات این کارشناسان، آموزش‌های نظری که در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه می‌شود، در عمل کمکی به توانمندسازی جوانان برای ورود به بازار کار و زندگی عملی نمی‌کند. این نگرش در کنار واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی دیگری، نظیر مهاجرت شغلی جوانان به شهرهای بزرگ و بحران‌های اقتصادی، ابعاد جدیدی به مشکل بیکاری جوانان اضافه

در گفت‌وگوی پیش‌رو، با استاد برجسته جامعه‌شناسی و یکی از متخصصان حوزه جامعه‌شناسی دین و معرفت که علاوه بر سوابق گسترده پژوهشی و تألیفی، سابقه دو سال مدیریت گروه جامعه‌شناسی دین در انجمن جامعه‌شناسی ایران را نیز در کارنامه دارد، به بررسی علل و پیامدهای بیکاری جوانان و چالش‌های موجود در مسیر اشتغال آن‌ها پرداخته‌ایم. دکتر حسن محدثی گیلویی که از صاحب‌نظران و تحلیلگران مطرح در زمینه مسائل اجتماعی است، در این گفت‌وگو ضمن اشاره به

مشکلات ساختاری در اقتصاد کشور، به نقش مهم آموزش و پرورش، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری نگاه و رفتار نسل جوان پرداخته است.

این گفت‌وگو، به‌ویژه در شرایط کنونی که کشور با چالش‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و درک بهتر علل ریشه‌ای بیکاری جوانان و سایر مشکلات اجتماعی باشد.



در حال حاضر، متأسفانه سطح امید اجتماعی به‌شدت پایین است. جوانان حتی پس از طی تحصیلات دانشگاهی، چشم‌انداز روشنی برای اشتغال متناسب با رشته تحصیلی خود نمی‌بینند، نهادهای مسئول باید علاوه بر بهبود شرایط اقتصادی، پیام‌هایی امیدوارکننده و واقع‌بینانه به جامعه منتقل کنند. اینکه تنها وعده‌هایی داده شود که با واقعیت فاصله دارد، نمی‌تواند جوانان را دلگرم کند. لازم است اقدامات عملی در راستای بازسازی اعتماد عمومی صورت گیرد.

در ادامه، گفت‌وگوی ما با وی را درخصوص موضوع بیکاری جوانان از منظر جامعه‌شناختی می‌خوانید:

این استاد برجسته جامعه‌شناسی در ابتدای گفت‌وگو، دیدگاه خود را درباره مهم‌ترین عامل بیکاری جوانان در جامعه امروز ایران و نقش نظام آموزشی در این زمینه بیان کرد و گفت: واقعیت این است که مسئله اصلی بیکاری، ریشه در وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور دارد. دهه‌هاست که اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که امکان ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای مردم، به‌ویژه جوانان را نداشته. به همین دلیل،

حتی اگر نظام آموزشی نیز عملکردی مطلوب داشت، بازهم مشکل اصلی پابرجا می‌ماند. ما با یک اقتصاد ناکارآمد مواجهیم که به‌دلیل نبود ارتباط مؤثر با اقتصاد جهانی، قرار داشتن در شرایط تحریم و دیگر عوامل ساختاری، توانایی خلق شغل را ندارد. حسن محدثی گیلویی ادامه داد: بسیاری از فعالان حوزه تولید که سال‌ها مشغول به‌کار بودند، اکنون با ضرر و زیان مواجه‌اند یا تولید خود را متوقف کرده‌اند. به‌دلیل وضعیت نابسامان تولید، اقتصاد به‌جا حرکت در مسیر مولد، بیشتر درگیر فعالیت‌های واسطه‌گری شده؛ حوزه‌هایی که خود نیازمند سرمایه اولیه قابل توجه هستند و جوانان توان ورود به آن را ندارند. در چنین وضعیتی، طبیعی است که بیکاری افزایش یابد.

وی در ادامه درباره پیامدهای مهاجرت شغلی جوانان از شهرهای کوچک به کلان‌شهرها توضیح داد: همان‌طور که هر پدیده اجتماعی می‌تواند دارای کارکردهای مثبت و منفی باشد، مهاجرت نیز چنین است. ازجمله پیامدهای منفی آن، می‌توان به تورم جمعیتی در کلان‌شهرها و تخلیه روستاها و شهرهای کوچک اشاره کرد، مناطقی که می‌توانستند نقش مؤثری در اقتصاد کشور ایفا کنند.

این جامعه‌شناس برجسته یادآور شد، از سوی دیگر، ورود بدون برنامه و طراحی‌شده به شهرهای بزرگ می‌تواند موجب شکل‌گیری مشاغل کاذب و یا حتی انحرافات اجتماعی شود؛ چراکه مهاجران اغلب فاقد موقعیت اقتصادی و اجتماعی مناسب هستند. در نتیجه، روند جذب و تثبیت آن‌ها در فضای شهری طولانی و پرهزینه خواهد بود.

محدثی گیلویی ادامه داد: اگر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در کشور به‌گونه‌ای بود که اشتغال‌زایی به‌صورت متوازن در سراسر استان‌ها صورت می‌گرفت، جوانان نیاز به مهاجرت نداشتند و بار سنگین این پدیده از دوش شهرهای بزرگ و نیز خود مهاجران برداشته می‌شد.

وی سپس درباره راه‌های تقویت اعتماد به آینده شغلی در میان جوانان با تأکید بر بحران امید اجتماعی در کشور مطرح کرد: نخستین نکته مهم این است که جوانان باید بتوانند به آینده امید داشته باشند. در حال حاضر، متأسفانه سطح امید اجتماعی پایین است. جوانان حتی پس از طی تحصیلات دانشگاهی، چشم‌انداز روشنی برای اشتغال مناسب با رشته تحصیلی خود نمی‌بینند. برخی از آن‌ها به مهاجرت از کشور فکر می‌کنند، چراکه شرایط اقتصادی

اجتماعی

آموزش نظری و بی‌توجهی به مهارت‌های عملی در مدارس و دانشگاه‌ها؛

نظام آموزشی ایران، جوانان را برای زندگی و شغل آماده نمی‌کند

تطابق نداشتن آموزش‌ها با نیازهای واقعی بازار کار؛ چالشی برای فارغ‌التحصیلان/ مهارت‌های زندگی در نظام آموزشی نادیده گرفته شده است

مناسب نیست. نوسانات شدید و مداوم نرخ ارز نمونه‌ای از بی‌ثباتی‌های اقتصادی است که امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از افراد سلب کرده. وقتی قیمت‌ها روزبه‌روز تغییر می‌کند، حتی برنامه‌ریزی یک‌ماهه برای زندگی هم دشوار می‌شود. در چنین شرایطی، نمی‌توان از جوانان انتظار داشت که به آینده خوشبین باشند.

این پژوهشگر جامعه‌شناسی ادامه داد: نهادهای مسئول باید علاوه بر بهبود شرایط اقتصادی، پیام‌هایی امیدوارکننده و واقع‌بینانه به جامعه منتقل کنند. اینکه تنها وعده‌هایی داده شود که با واقعیت فاصله دارد، نمی‌تواند جوانان را دلگرم کند. در راستای بازسازی اعتماد عمومی لازم است اقدامات عملی انجام شود.

محدثی در ادامه این گفت‌وگو درباره وضعیت آموزشی کشور اظهار کرد: درست است که آموزش نقش بسیار مهمی در آمادگی شغلی دارد، اما متأسفانه نظام آموزشی ما به‌ویژه در سطح مدارس و حتی در دانشگاه‌ها، عمدتاً معطوف به آموزش‌های نظری است و کمتر به مهارت‌های عملی و کاربردی در زندگی توجه می‌شود. در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان و دانشجویان صرفاً درگیر حفظ مطالب نظری هستند و از یادگیری مهارت‌هایی که بتوانند در زندگی روزمره خود به‌کار برند، بی‌بهره‌اند. در مدارس، به‌جای آموزش فنون حل مسائل زندگی، بیشتر بر روی دروس نظری و حفظ کردن تأکید می‌شود. برای مثال، یک دانش‌آموز ایرانی در مدارس نمی‌آموزد که اگر ماشینش خراب شد، چگونه آن را تعمیر کند یا در صورت بروز مشکلی در منزل، چگونه آن را برطرف کند. این شکاف در آموزش، یکی از معضلات جدی نظام آموزشی ما است.

وی سپس به تأثیر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر نسل جوان پرداخت و در این زمینه توضیح داد: نسل جدید که در دنیای دیجیتال زندگی می‌کند، بسیاری از آگاهی‌ها و دانش‌های خود را از این فضا دریافت می‌کند و در سطح جهانی به مسائل نگاه می‌کند. مصرف فرهنگی که جوانان از این طریق دنبال می‌کنند، تحت تأثیر فضای دیجیتال است و دیگر نمی‌توان انتظار داشت که خانواده به‌تنهایی بتواند نظام فکری آن‌ها را بسازد. حتی اگر خانواده‌ها بخواهند، خودشان باید با شرایط جهانی هم‌گام شوند و خود را به‌روز کنند. متأسفانه، در حال حاضر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باعث شده‌اند که بسیاری از نوجوانان و جوانان ایده‌هایی برای بهبود وضعیت زندگی خود پیدا کنند. آن‌ها از این فضا یاد می‌گیرند که چگونه مهارت‌های مختلف را کسب کنند که برای زندگی روزمره‌شان مفید

باشد.

این محقق و پژوهشگر اجتماعی در ادامه به برخی از آسیب‌های فضای مجازی اشاره کرد: با وجود مزایای فضای مجازی، آسیب‌هایی نیز وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود. در این فضا، محتوای فرهنگی متنوعی تولید و مصرف می‌شود که همه آن‌ها الزاماً مفید یا بهداشتی نیستند. نیاز است که آموزش و پرورش محتوای مناسبی را به جوانان ارائه دهد تا بتواند از آسیب‌های این فضا جلوگیری کند. متأسفانه در حال حاضر، برنامه‌ریزی جدی برای شناسایی و مقابله با این آسیب‌ها وجود ندارد.

محدثی همچنین به توانمندی‌های نسل جدید اشاره و بیان کرد: با این حال، نسل جدید بسیار تواناتر شده و بسیاری از آن‌ها مهارت‌هایی را یاد می‌گیرند که به کار زندگی‌شان بیاید. این مهارت‌ها ممکن است از طریق فضای مجازی یا تجربیات شخصی باشد. بسیاری از جوانان از یادگیری موضوعات نظری که در مدارس آموزش داده می‌شود، بی‌علاقه‌اند و ترجیح می‌دهند مهارت‌هایی را کسب کنند که در زندگی روزمره‌شان مفید باشد.

وی در ادامه از محدودیت‌های نظام آموزشی و نبود برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه سخن گفت و خواستار تغییرات اساسی در شیوه‌های آموزش و پرورش شد.

این نویسنده و مؤلف مطرح کشور، در پایان سخنان خود تصریح کرد: امروز، تغییرات اساسی در شیوه‌های آموزشی و تربیتی نیاز است تا بتوانیم به نسل جوان مهارت‌های لازم برای زندگی روزمره و شغلی را آموزش دهیم و از آسیب‌های فضای مجازی به‌طور مؤثر جلوگیری کنیم.

■ بحران بیکاری جوانان در ایران؛ چالش‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی در سایه تحولات جهانی

در خاتمه باید گفت: بحران بیکاری جوانان در ایران یکی از چالش‌های پیچیده و چندوجهی است که به‌طور مستقیم با مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کره خورده. به‌ویژه در شرایط کنونی کشور، جایی که اقتصاد با تحریم‌ها، رکود، و نوسانات شدید روبه‌رو است، فقدان فرصت‌های شغلی مناسب برای نسل جوان بیش از پیش نمایان شده. بیکاری جوانان دیگر تنها یک معضل اقتصادی نیست، بلکه به مسئله‌ای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده که پیامدهای گسترده‌ای برای جامعه دارد.

در کنار مشکلات اقتصادی، سیستم آموزشی کشور نیز نقش مهمی در بروز این بحران دارد. نظام آموزشی ایران، به‌ویژه در مقاطع مدرسه

سرکوب همچنین از بین بردن زیرساخت‌های ایران، کل حاکمیت را به دفاع مشروع سرگرم کنند. آزادارمکی تصریح کرد: باید کمک کنیم به لحاظ سیاسی فرو نریزیم تا فردا بتوانیم دموکراسی را در ایران به خوبی حفظ و تداوم بخشیم، چراکه اگر فرو بریزیم و دشمن حاکم شود؛ در آن صورت هر همسایه‌ای در حاشیه کشور برای بخشی از این سرزمین طمع خواهد کرد بلکه باید با همه اختلافات و دیدگاه‌ها و با وجود همه رنج‌ها و نابسامانی‌ها برای همگرایی تلاش کنیم.

■ دعوت از نیروهای اجتماعی راهگشاست

وی، شاه‌کلید عبور از این بحران را دعوت از نیروهای اجتماعی دانست و در این باره توضیح داد: حاکمیت باید با دعوت از نیروهای اجتماعی از همه سرمایه‌های این سرزمین در راستای حفظ تمامیت و منافع ملی بهره‌مند شود.

وی به سرمایه اجتماعی ایرانیان خارج از کشور اشاره کرد و افزود، ایرانیان خارج از کشور صدای بلند ملت ایران باشند و اعتراض ایرانیان را در مجامع بین‌المللی اعلام دارند و با دعوت از آن‌ها برای بازگشت به کشور در حل بحران مشارکت داده شوند.

این جامعه‌شناس با اشاره به ظرفیت نخبگان و چهره‌های برجسته سیاسی و اجتماعی برای

۷

روزنامه صبح حزب کشور

و دانشگاه، بیشتر بر حفظ مطالب تأکید دارد و مهارت‌های عملی و موردنیاز برای ورود به بازار کار را نادیده می‌گیرد. جوانان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها و مدارس، به‌جای آنکه مهارت‌های کاربردی زندگی و شغل خود را بیاموزند، درگیر مسائل نظری و متداول آموزشی می‌شوند که هیچ ارتباطی با دنیای واقعی و نیازهای بازار کار ندارد.

از طرف دیگر، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به شکلی نوظهور بر تصورات و نگرش‌های جوانان تأثیر گذاشته‌اند. بسیاری از نسل جدید از این فضاها به‌عنوان منبع اطلاعات و راهی برای کسب مهارت‌ها استفاده می‌کنند. اما در کنار این فرصت‌ها، این فضاها آسیب‌هایی نیز به همراه دارند که بدون نظارت و هدایت مناسب می‌تواند موجب انحرافات اجتماعی و فکری برای جوانان شود؛ بنابراین، در این شرایط، صرفاً انتقاد از وضعیت اقتصادی یا آموزشی کافی نیست و نیاز به یک رویکرد جامع و متوازن برای مواجهه با این بحران ضروری است.

بیکاری جوانان به‌ویژه در استان‌ها و مناطق کمتر برخوردار، نه‌تنها به کاهش درآمد و رفاه اجتماعی منجر می‌شود، بلکه مهاجرت‌های گسترده به شهرهای بزرگ و تغییرات فرهنگی و اجتماعی در این مناطق را د پی دارد. این مهاجرت‌ها اغلب منجر به انباشت مشکلات جدید در شهرهای مقصد، ازجمله افزایش نرخ بیکاری، فشار بر زیرساخت‌ها و بحران‌های اجتماعی می‌شود.

برای حل این بحران، نیاز به اصلاحات بنیادین در سیستم آموزشی، اقتصادی و اجتماعی کشور وجود دارد. سیاست‌های اشتغال‌زایی باید هم‌راستا با نیازهای واقعی بازار کار طراحی شوند و در کنار آن، نظام آموزشی باید بر مبنای مهارت‌آموزی و تربیت نیروی کار ماهر بازنگری شود. همچنین، فضای مجازی باید تحت نظارت و برنامه‌ریزی صحیح قرار گیرد تا از آسیب‌های آن به‌ویژه برای نسل جوان جلوگیری شود.

در نهایت، بحران بیکاری جوانان در ایران به‌عنوان یک معضل پیچیده، تنها با همکاری همه‌جانبه نهادهای دولتی، آموزشی و اجتماعی قابل‌حل است. نیاز به تغییر در شیوه‌های آموزشی، ایجاد فرصت‌های شغلی واقعی و پاسخگویی به نیازهای نسل جوان در یک اقتصاد متحول، از مسائل کلیدی است که باید در اولویت قرار گیرد. اگر این بحران به‌طور مؤثر مدیریت نشود، می‌تواند به چالش‌های بزرگ‌تری تبدیل شود که نه‌تنها جوانان، بلکه تمام ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

عبور از این بحران و در عین حال رخی اختلاف سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها، گفت: باید افراد برجسته همگان را به آشتی مجدد دعوت کنند و برای این همبستگی هیچگاه دیر نیست.

آزاد ارمکی با تأکید بر لزوم حفظ انسجام ملی و حمایت از تصمیمات حاکمیت، تصریح کرد: درست است که اکنون در شرایط بحرانی قرار داریم اما در این وضعیت باید مسئولان بحران کنار بروند و نیروهای اجتماعی و روشنفکران برای حل بحران به عرصه اجتماعی بیایند و از هر طیف سیاسی و اجتماعی ورود پیدا کنند.

وی درباره عملیات‌های روانی در این جنگ گفت: شرایط جنگی است اما جبهه نبرد در واقع مقابله با جنگ روانی است و در این عرصه برای دفاع از منافع ملی همه اعم از زنان و مردان و کودکان و به‌طور کلی همه نیروهای اجتماعی ازجمله طبقه متوسط، روشنفکران و صاحب‌خرد و همه کسانی که دغدغه‌های مدنیت دارند باید پای کار بیایند و ورود دهند.

وی تصریح کرد: جنگ تمام خواهد شد و با این جنگ نه می‌میریم و نه تضعیف می‌شویم بلکه قوت جدید پیدا می‌کنیم و دوباره وقتی که صلح یا پیروزی پیش آید با سرمایه اجتماعی و نیروهای انباشتی که در پی این جنگ به‌وجود آمده می‌توانیم فردای ایران را بهتر بسازیم.

آزاد ارمکی؛

فردای ایران را با سرمایه اجتماعی بهتر بسازیم

لزوم حضور میدانی نخبگان برای منافع ملی

ایران بخواهد خود را بازآفرینی کند (که البته هنوز اعتقاد دارم از این دوره عبور نکرده‌ایم)؛ موجب می‌شود که بسیاری از نگاه‌هایی که به لحاظ اجتماعی دارد و جهان ایرانی را عقب مانده، استبدادزده و هیجانی(انقلابی) قلمداد می‌کنند، عبور کرده و آنگاه ایران می‌تواند نقش مهمی در جهان پیدا کند از نوع نقشی که مثلاً ژاپن‌ها در دنیای معاصر پیدا کردند.

وی گفت: این تصویر را اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دریافت‌ه اند و تلاش می‌کنند تا مانع جان گرفتن بازآفرینی در جامعه ایرانی شوند؛ به همین دلیل کشور را درگیر برهه‌عه‌ای از جنگ‌ها کرده و می‌کنند که متمرکز شدن اسرائیل دقیقاً به معنای نابود کردن همین معنایی است که در مورد ایران زنده شده است.

این جامعه‌شناس تصریح کرد: آن‌ها می‌خواهند سرمایه‌های متراکمی که در دوره معاصر در ایران شکل گرفته و می‌تواند موجب تعالی، برپایی و بازآفرینی ایران شود را از بین ببرند؛ از این رو این پروژه را با کشتن افراد مهم و کلیدی ایران شروع کردند. آزاد ارمکی ادامه داد: در این میان انگلیس، آمریکا، فرانسه و آلمان و کل اروپا، پشت رژیم اسرائیل ایستاده‌اند و نه‌تنها به اقدامات و تجاوزات او تذکر نمی‌دهند بلکه به او در مقابل

تکذیب فراخوان واگذاری فوری در شیرخوارگاه آمنه

بدون هیچ خللی در حال انجام است. گفتنی است واگذاری فرزندان تحت هر عنوان فرزندخواندگی اعم از فرزندخواندگی دائمی و موقت در شیرخوارگاه‌ها با طی مراحل قانونی و از طریق ثبت نام در سامانه ملی فرزندخواندگی و طی مراحل بررسی صلاحیت‌های افراد متقاضی و با رای مرجع قضائی انجام می‌گیرد. بار دیگر تأکید می‌شود هیچ اضطراری برای واگذاری فوری فرزندان در مراکز و شیرخوارگاه‌های بهزیستی در سراسر کشور وجود ندارد و وضعیت شیرخوارگاه‌ها و سایر مراکز شبه خانواده کودک و نوجوان در سراسر کشور در شرایط پایدار است.

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ سازمان بهزیستی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: خدمت‌رسانی در مراکز و شیرخوارگاه‌های سازمان بهزیستی بدون هیچ وقفه‌ای در حال انجام است و نیاز به واگذاری فوری فرزندان به خانواده‌ها تکذیب می‌شود.

سازمان بهزیستی اعلام کرد: در پی انتشار خبری در فضای مجازی مبنی بر فراخوان نگهداری موقت نوزادان شیرخوارگاه آمنه ضمن تکذیب هرگونه فراخوان نیاز به واگذاری فوری فرزندان شیرخوارگاه‌ها به استحضار مردم شریف ایران اسلامی می‌رساند وضعیت خدمت‌رسانی در شیرخوارگاه‌های استان تهران در وضعیت پایدار و